

اتفاقی که ابتدای انقلاب افتاد این بود که تمام احساسات اجتماعی درگیر شد. من «عمق شناخت» را با احتیاط بیان می‌کنم؛ چراکه باید ادامه پیدا می‌کرد ولی مردم انگیزه بسیاری درخصوص انقلاب داشتند. در ادامه انگیزه زیادی درباره جنگ مقابل صدام و بدنه‌ای داشتند که او را حمایت می‌کرد. اکنون نیازمند یک نظریه و حوزه شناختی راجع به فرهنگ هستیم که بتواند انگیزه‌های اجتماعی، شناخت مردم و احساسات اجتماعی را قوی کند.

۴ امروز در کنار اقتصاد و سیاست؛ فرهنگ هم شدیداً رقابتی شده است

در اینجا به ملاحظه‌های اشاره کنم؛ فرهنگ شدیداً رقابتی شده است. اقتصاد و سیاست هم رقابتی هستند. امروز عرصه زندگی تحت تاثیر ظهور رسانه‌های جمعی، رسانه‌های اجتماعی، اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سفر است. این حوزه رقابتی فرهنگ، قدرت فرهنگ ملی را نیاز دارد. اگر فرهنگ ملی ضعیف شود، در رقابت می‌بازیم. در واقع در فضای رقابتی فرهنگ، با قدرت و بی‌قدرتی فرهنگ‌ها مواجه شده‌ایم.

۵ قدرت نظامی ما امروز در حوزه فرهنگی هم مصونیت ایجاد کرده است

بله، همین‌طور است. در حوزه نظامی قدرت بازدارندگی ایجاد کرده‌ایم. افتخار ملی هم کنارش نشسته است. اگر از مردم درباره حوزه افتخار ملی‌شان پرسید، قطعاً یکی از حوزه‌ها، قدرت نظامی کشور است. آنها می‌گویند: «ما قدرتمند شده‌ایم. این قدرت نظامی باعث بازدارندگی نسبت به نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌شود.» می‌خواهم بگویم امروز قدرت نظامی حتی تا حدی مصونیت در حوزه فرهنگی ایجاد کرده است. در حوزه اقتصادی هم ما قدرت بازدارندگی داشته‌ایم. علی‌رغم اینکه مشکلات اقتصادی ما زیاد است و شاهد افزایش قیمت‌ها بودیم.

۶ خلاقیت داشتیم.

دوران کرونا را در نظر بگیرید. ما در این دوران، کمبود جدی مواد غذایی پیدا نکردیم. به دلیل فضای تحریم‌ها خلاقیت را افزایش دادیم. تولید بالا رفت. ۱۲۵ میلیون تن تولید ملی ما در حوزه غذا است.

۷ دشمنان کشور تصور کردند می‌توانند از خلا قومیت و جنسیت استفاده کنند

یکی از ابزارهایی که امروز درخصوص اتفاقات اخیر مطرح می‌شود، این است که ساختارهای میانی کشور مثل اصناف و جامعه‌های مدنی ضعیف شده. آنها باید کارهایی در فضای مطالبه‌گری و پیگیری انجام دهند اما وقتی با سوال مواجه می‌شوند به دلیل تضعیف ساختارها مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرند و نگاه مردم به سمت ساختارهای بالایی کشور است. در حوزه فرهنگ نیز همین اتفاق افتاده و ساختارهای میانی لطمه خورده‌اند. شاید در فضایی مثل دانشگاه، تشکله‌ها و مجموعه‌های میانی دانشگاه نسبت به دوره‌های گذشته ضعیف شده‌اند. شورای عالی انقلاب فرهنگی در بحث تحول چگونه می‌تواند مسئولیت پذیری ساختارهای میانی و توجه آنها به کنش اجتماعی و رفتاری در جامعه را افزایش دهد؟

یکی از لبه‌های تیز و مهم بحثی که درباره شناخت فرهنگ و رویکردشناختی نسبت به فرهنگ عرض کردم، مردم و اصناف هستند؛ ممکن است بخشی از مردم از جامعه مدنی مطلوب ما بیرون بیفتند. به‌طور مثال ما برای جذب در هیات‌علمی، گزینش کرده و صلاحیت عمومی افراد را بررسی می‌کنیم. از سوی دیگر عده‌ای پرونده قضایی و سوء سابقه پیدا می‌کنند. ما برای چنین افرادی باید چه کاری انجام دهیم؟ آیا جامعه‌ای که به هر دلیل دارای صلاحیت برای یک شغل نیست، نباید در سایر حوزه‌های شغل داشته باشد. این امر نیازمند توجه است. اگر کسی از حوزه فرهنگ اسلامی، بیرون می‌افتد باید برای او برنامه داشته باشیم. به نظرم برنامه‌ریزی ما باید برای جمعیت بزرگ کشور باشد. دشمنان انقلاب در همین اغتشاش، احساس کردند که می‌توانند از خلأهایی استفاده کنند؛ از خلأ قومیت، خلأ جنسیت، خلأ اقلیت‌های دینی، خلأهایی که ما نسبت به امور زنان داریم. همچنین باید به خلأ نوجوانان اشاره کرد؛ نسلی که از آن به نسلی تعبیر می‌کنیم که با اینترنت، بزرگ شده است. ما به اشتباه آموزش و پرورش و مدرسه را در دوره کرونا تعطیل کردیم و آنها را به سامانه شاد و در کنار آن به فضای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی سپردیم.

کشورهایی مثل ایتالیا، انگلستان و فرانسه که بیشتر از ما آمار کشته‌های کرونا داشتند، مدارس خود را در دوران کرونا تعطیل نکردند. تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها تصمیم اشتباهی بود که ستاد ملی مقابله با کرونا اتخاذ کرد. افرادی که اینترنت

این صحبت‌ها نشان می‌دهد ما به بازسازی اساسی نیاز داریم. بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ سه وجه دارد: سطح نگری، سطح نهادی و سطح فرآیندی. در واقع الگوواره فرهنگ نیازمند تغییر متناسب با هدف تمدن نوین اسلامی است. اولاً خود نگرش مفهومی به این موضوع، اهمیت زیادی دارد. ساده‌سازی این مساله چنین است: برویم نهادهای فرهنگ را بازسازی کنیم و ببینیم نقاط اشتراک آنها و کارهای موازی‌شان چیست، در نتیجه ادغام و حذف انجام بدهیم و نهادهای جدیدی برای جاهایی ایجاد کنیم که خلأ وجود دارد. در واقع رویکرد اصلاح ساختار نهادی را در پیش بگیریم.

همایش با همت آیت‌الله رشاد برگزار کردیم. در همان نشست، آقای رئیس‌جمهور، دبیرخانه و دبیر را خطاب قرار دادند و گفتند: «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ برعهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است و شورا باید ورود پیدا کند.» ۵ یا ۶ ماه قبل از اینکه حضرت آقا این مساله را مطرح کنند، ما رصد نهادهای فرهنگی را شروع کرده بودیم. سازمان تبلیغات اسلامی مسئولیت پیدا کرده بود که وظایف نهادهای فرهنگی را استخراج کند و ببیند اقدامات‌شان به چه صورتی است. فکر ما این تفکری نبود که حضرت آقا فرمودند. ایشان موضوع بنیادی‌تر مطرح کردند ولی بُعد نهادی پیش‌تر شروع شده بود، چون تکلیفی به شمار می‌رفت که از سند مهندسی فرهنگی نیز استنباط می‌شد. همان‌طور که عرض شد، بازسازی باید در سه حوزه صورت بگیرد. یکی در فکر، نگاه، شناخت، تحلیل و فهمی است که ما از فرهنگ و کار فرهنگی داریم. این شناخت خیلی مهم است. اگر نگرش درست نباشد، نهادهایش نیز درست نمی‌شوند. به دنیای غرب نگاه کنید؛ چقدر برای بازسازی تلاش کرده است. امروز بحث دموکراسی یا مردم‌سالاری به تعبیر ما، علم و کتلی است که در دست دنیای غرب قرار دارد. در تمام نظام ارزش‌های بنگاه‌های بزرگ غرب، این معنا وجود دارد. نظام ارزش‌های «گوگل» و «یوتیوب» را ببینید. به تمام ۱۰ بنگاه برتر اقتصادی جهان نگاه کنید. ۹ بنگاه از این تعداد، بنگاه‌های علم و فناوری اطلاعات هستند. آنها ارزش‌هایی اعلام کرده و می‌گویند: «ارزش‌ها ما ارزش‌های لیبرال است.» چهارچوبی طراحی کرده و براساس آن حرکت می‌کنند.

۸ ما به جای آزادی به معنای مطلق از آزادی صحبت می‌کنیم

بُعد دیگری نیز وجود دارد که فریبنده است: می‌گویند «بازبودگی و آزادی» ولی ما به‌جای «آزادی»، به معنای مطلق، از «آزادگی» صحبت می‌کنیم. ما می‌گوییم: «انسان قبل از اینکه آزاد باشد، به آزادی نیاز دارد.» آغاز آزادی ما مهار نفس است. اگر مهار نفس وجود نداشته باشد، مانند سگ هاری است که قلاهداش را باز کرده‌اند و طبیعتاً به دیگران آسیب می‌رساند. حضرت امیرالمومنین می‌فرمایند: «اللسان کلبُ عقور» (زبان مانند سگ هاری است که اگر رها شود صاحبش را هم می‌گیرد). زبان، نظام معنایی زندگی است. ما با زبان، بیان می‌کنیم، معنا انتقال می‌دهیم و در فضای اجتماعی، معنا می‌سازیم.

حضرت امیر تعبیر دیگری نیز دارند که می‌فرمایند: «زبان مثل تیری است که به قلب فرد دیگری می‌زند.» زبان، قدرت دارد. غربی‌ها نیز زبان ارزشی برای نظام خودشان ساخته‌اند. ضمن مشارکت مردم در مدیریت کشور، انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان محترم مجلس، حوزه‌های مهم فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه باید بتوانیم برای زبان «آزادگی» خودمان سازوکاری فراهم کنیم؛ این حوزه شناختی است که هنوز ضعف دارد. علی‌رغم زحمات زیادی که کشیده شده، وقتی می‌پرسیم: «نگرش ما به حوزه فرهنگ و نظریه ما برای فرهنگ اسلامی چیست؟» می‌بینیم این نگرش، سازوکار خیلی روشنی دارد. حوزه نگرش در این بازسازی باید شاکله‌ای پیدا کند. می‌توان این شاکله را ایجاد کرد. باید کمی به حرف‌های خودمان اهمیت بدهیم. غربی‌ها یک حرف می‌زنند و می‌بینید توسط جامعه فکری‌شان به‌صورت مداوم دنبال می‌شود. «تئوری ریسک» متعلق به «یک» بود. نظریه‌ای ارائه کرد و گفت: «جامعه جدید با ریسک بیشتری مواجه شده است.» ببینید حلقه علوم اجتماعی و علوم انسانی تا چه اندازه پای این نظریه ایستادند یا «مکتب فرانکفورت» حرفی راجع به صنعت فرهنگ زد و گفت: «بعد از شکل‌گیری رادیو، با صنعت فرهنگ مواجه شده‌ایم و می‌توان کلیشه فرهنگ تولید کرد.» با نگاه انتقادی به مساله نگاه می‌کردند. این حرف راحت ۴ و ۵ صفحه‌ای مارکوزه و هورخایمر، امروز به مکتبی به نام «مکتب فرانکفورت» تبدیل شده است. درحقیقت پایه و فکری بنا نهاده‌اند. ما این همه شالوده‌های فکری مهم داریم، باید آنها را جمع‌بندی کنیم و رویکرد شناختی ما راجع به فرهنگ شکل بگیرد. وقتی این حرف‌ها را می‌زنیم، بعضی‌ها می‌گویند: «شما دوباره گرفتار فلسفه و امور شناختی می‌شوید. این موارد چه زمانی جواب می‌دهند؟» عجله در حوزه فرهنگ، ما را زمین می‌زند. نمی‌توان در حوزه فرهنگ، عجله کرد. فرهنگ، امری است که اقتناع افکار عمومی را می‌خواهد و به احساسات مردم نیاز دارد. مردم باید به آن علاقه داشته باشند.